

# روش‌های تربیتی در قرآن

جلد دوم

(حکمت‌آموزی، عفو و گذشت، تکریم و احترام، رفق و مدارا، احسان)

دکتر سیدعلی حسینی‌زاده

و

حجت‌الاسلام شهاب‌الدین مشایخی

زمستان ۱۳۹۳

قائمی مقدم، محمدرضا، ۱۳۴۴ - .  
روش‌های تربیتی در قرآن / محمدرضا قائمی مقدم. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۱.  
ج. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۱۹، ۲۸۲: علوم تربیتی؛ ۳۰، ۳۳) (سازمان سمت؛ ۱۶۱۲، ۱۸۴۸: علوم قرآن و حدیث؛ ۱۱۲، ۱۲۸)  
بها: ۴۸۰۰۰ ریال  
بها: ۸۷۰۰۰ ریال  
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه. ج ۲: ص. [۲۰۹] - ۲۱۴. همچنین به صورت زیرنویس.  
مندرجات: ج ۱: تذکر و یادآوری، موعظه و نصیحت، عبرت‌دهی، امر و نهی. ج ۲: حکمت‌آموزی، عفو و گذشت، تکریم و احترام، رفق و مدارا، احسان.  
مؤلفان جلد دوم: سیدعلی حسینی‌زاده و شهاب‌الدین مشایخی  
نمایه.  
۱. اسلام و آموزش و پرورش - جنبه‌های قرآنی. ۲. تربیت اخلاقی - جنبه‌های قرآنی. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). ج. عنوان.  
۱۳۹۱ ۲ ق ۹ / ر ۱۰۴ BP ۲۹۷ / ۱۵۹  
شماره کتابشناسی ملی  
۲۲۳۰۶۶۱



روش‌های تربیتی در قرآن (ج ۲) (حکمت‌آموزی، عفو و گذشت، تکریم و احترام، رفق و مدارا، احسان)  
مؤلفان: دکتر سیدعلی حسینی‌زاده و حجت‌الاسلام شهاب‌الدین مشایخی  
ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری  
ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
ناشر همکار: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)  
صفحه‌آرایی: کاما  
چاپ اول: زمستان ۱۳۹۳  
تعداد: ۱۵۰۰ نسخه  
لیتوگرافی: سعیدی  
چاپ: قم - جعفری  
قیمت: ۸۷۰۰۰ ریال

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.  
قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اسکو، تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۶۰۰ و ۰۲۱-۶۶۴۰۸۱۲۰، نمابر: ۶۶۴۰۵۶۷۸  
Website: www.rihu.ac.ir Email: info@rihu.ac.ir  
تهران: بزرگراه آل احمد، تقاطع پل یادگار امام، روبه‌روی پمپ گاز، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تلفن: ۴۴۲۴۶۲۵۰، نمابر: ۴۴۲۴۸۷۷۷ ● تهران: خ انقلاب، خ ابوریحان، ش ۱۰۷ و ۱۰۹، تلفن: ۰۶۶۴۰۸۱۲۰، نمابر: ۶۶۴۰۵۶۷۸  
Website: www.samt.ac.ir Email: info@samt.ac.ir



اسلام عمیق تر از همه جا و از همه مکتب‌ها راجع به امور انسانی و راجع به امور تربیتی [نظر] دارد که در رأس مسائل اسلام است؛ چنانچه امور اقتصادی دارد. ما نمی‌توانیم... امروز هم بنشینیم که مغزهایی که تربیت غربی دارند برای ما تربیت کنند بچه‌های ما را. باید تربیت، تربیت قرآنی باشد. قرآن غنی‌ترین کتاب‌های عالم است در تربیت، در تعلیم و تربیت، منتهی متخصص لازم دارد.

صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴۱۵

## پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی، و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی از دوباره‌کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، پنجاه و پنجمین کار مشترک خود را با انتشار جلد دوم کتاب روش‌های تربیتی در قرآن (حکمت‌آموزی، عفو و گذشت، تکریم و احترام، رفق و مدارا، احسان) به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند. کتاب حاضر برای دانشجویان رشته «علوم تربیتی» در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا تهیه و تدوین شده است.

امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند گردند. در پایان لازم می‌دانیم از گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به‌ویژه مؤلفان محترم اثر آقایان دکتر سیدعلی حسینی‌زاده و حجت‌الاسلام شهاب‌الدین مشایخی تشکر و سپاسگزاری نماییم.

سازمان سمت

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

## فهرست مطالب

پیشگفتار	۱
قرآن کتاب هدایت و تربیت	۱
قرآن پژوهی تربیتی، در گروه علوم تربیتی	۲
سلسله کتاب‌های «روش‌های تربیت در قرآن کریم»	۴
مقدمه	۷
فصل اول: روش آموزش حکمت	۹
۱. مفهوم‌شناسی	۹
الف) مفهوم حکمت	۹
ب) مفاهیم متناظر	۱۳
حکمت و علم	۱۴
حکمت و عقل	۱۴
حکمت و کتاب	۱۵
حکمت و حکومت	۱۶
حکمت، موعظه و جدل	۱۷
حکمت، بینش و بصیرت	۱۸
۲. اهمیت و جایگاه روش آموزش حکمت	۱۹
الف) آموزش حکمت از اهداف بعثت انبیا	۱۹
ب) حکمت خیر کثیر است	۲۱
۳. حکمت‌آموزی به عنوان روشی تربیتی	۲۱
۴. انواع حکمت	۲۳
الف) حکمت نظری	۲۳

۲۴	..... (ب) حکمت عملی
۲۴	..... (ج) حکمت حقیقی
۲۵	..... ۵. مبانی روش حکمت‌آموزی
۲۵	..... ۱-۵. حق و حکیم بودن خداوند
۲۶	..... ۲-۵. ناآگاهی انسان و استعداد او برای کسب علم
۲۷	..... ۳-۵. فراموشی انسان
۲۷	..... ۴-۵. حقیقت‌جویی انسان
۲۸	..... ۶. اصول و قواعد آموزش حکمت
۲۸	..... الف) شرایط دستیابی به حکمت و تأثیر آن
۲۸	..... ۱-۶. به‌کارگیری عقل و خرد
۲۸	..... ۲-۶. تزکیه نفس
۳۰	..... (ب) اصول آموزش حکمت
۳۰	..... ۱. تقدم تزکیه بر حکمت
۳۰	..... ۲. مقدم بودن آموزش حکمت بر موعظه
۳۱	..... ۳. آموزش حکمت از نوجوانی
۳۲	..... ۷. روش‌های آموزش حکمت
۳۲	..... الف) روش‌های دستیابی به حکمت
۳۳	..... ۱. ایمان
۳۴	..... ۲. اخلاص در عمل
۳۵	..... ۳. صدق
۳۶	..... ۴. انفاق پاک‌ترین دستاوردها
۳۶	..... ۵. سکوت و گرسنگی
۳۷	..... ۶. خوردن حلال
۳۷	..... ۷. تقوا و بیمنای از خدا
۳۸	..... ۸. محبت اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>
۳۸	..... ۹. دعا
۳۸	..... ۱۰. تفکر
۳۹	..... ۱۱. آموختن
۳۹	..... ۱۲. تجربه
۳۹	..... ۱۳. عبرت گرفتن
۴۰	..... (ب) شیوه‌های آموزش حکمت
۴۲	..... ۸. کارکردهای حکمت
۴۲	..... الف) فرقان
۴۳	..... (ب) هدایت

۴۳	..... (ج) عصمت و پاکی از گناه
۴۴	..... (د) خشیت از خداوند
۴۴	..... (ه) شکر
۴۵	..... ۹. آسیب‌ها و موانع روش حکمت
۴۵	..... (الف) سطحی‌نگری
۴۶	..... (ب) بسنده کردن به حکمت نظری
۴۶	..... (ج) هوای نفس و شهوت
۴۷	..... (د) دنیادوستی
۴۷	..... (ه) طمع
۴۸	..... (و) پرخوری
۴۸	..... ۱۰. مصداق‌های حکمت در قرآن کریم
۴۹	..... ۱۱. توصیه‌های کاربردی

۵۱	..... <b>فصل دوم: روش عفو و گذشت</b>
۵۱	..... مقدمه
۵۲	..... ۱. مفهوم‌شناسی
۵۲	..... (الف) مفهوم عفو و غفران
۵۳	..... (ب) مفاهیم متناظر
۵۸	..... ۲. انواع عفو و غفران
۵۸	..... عفو ابتدایی
۵۹	..... عفو تکلیفی
۶۱	..... عفو پیشگیرانه
۶۲	..... عفو تأخیری
۶۳	..... عفو و غفران پاداشی
۶۳	..... ۳. مبانی عفو و گذشت
۶۴	..... ۱-۳. فضل و رحمت الهی
۶۶	..... ۲-۳. کرامت الهی
۶۷	..... ۳-۳. ضعف انسان
۶۸	..... ۴-۳. جهل و ناآگاهی انسان
۶۸	..... ۵-۳. فراموشی انسان
۶۹	..... ۴. ویژگی‌های عفو و غفران
۷۰	..... ۱-۴. فعال بودن متربی
۷۰	..... ۲-۴. تعلق به حیطه عاطفی

۷۱	۳-۴. اصلاحی - ایجاد
۷۱	۵. گستره عفو و غفران
۷۲	۱-۵. گستره موضوعی
۷۳	۲-۵. گستره متعلق
۷۴	۳-۵. گستره زمانی
۷۵	۶. شرایط و عوامل عفو و غفران
۷۵	۱-۶. ایمان
۷۶	۲-۶. بقای فرصت
۷۸	۷. اسباب و عوامل عفو و غفران
۷۸	۱-۷. پشیمانی و طلب مغفرت
۷۹	۲-۷. توبه و بازگشت
۷۹	۳-۷. جبران گذشته
۸۰	۴-۷. انجام عمل نیک
۸۱	۸. شیوه‌های معرفی و ابراز عفو و گذشت
۸۲	۱-۸. تصریح به آمرزنده بودن خدا
۸۳	۲-۸. ترغیب انسان‌ها به درخواست مغفرت با بیان مغفرت‌خواهی انبیا
۸۴	۳-۸. بیان اسباب و عوامل عفو و غفران
۸۴	۴-۸. امر به استغفار
۸۵	۵-۸. امر به استغفار برای دیگران
۸۵	۶-۸. توصیه به بخشش دیگران
۸۶	۷-۸. زمینه‌سازی عملی برای بخشش
۸۶	۸-۸. ابراز دوستی خدا با توبه‌کنندگان
۸۷	۹-۸. توبیخ و سرزنش
۸۷	۹. موانع عفو و غفران الهی
۸۸	۱-۹. کفر
۸۸	۲-۹. شرک
۸۹	۳-۹. نفاق
۸۹	۴-۹. اصرار بر گناه
۹۰	۵-۹. عناد و لجاج
۹۱	۱۰. اهداف عفو و غفران
۹۲	۱-۱۰. پوشاندن گناه از دیگران و حتی از خود فرد
۹۲	۲-۱۰. رهایی از کیفر و عذاب اخروی
۹۳	۳-۱۰. جلوگیری از آثار وضعی عمل
۹۳	۴-۱۰. اعطای پاداش



۹۴	۵-۱۰. تبدیل گناهان به نیکی‌ها
۹۴	۶-۱۰. پذیرش شفاعت
۹۶	۱۱. کارکردهای تربیتی عفو و غفران
۹۶	۱-۱۱. کارکردهای تربیتی عفو و غفران برای مرتبی
۹۶	۱-۱۱. فراهم آوردن زمینه اصلاح مرتبی
۹۷	۲-۱۱. امید و انگیزه
۹۸	۳-۱۱. اصلاح و علاج
۱۰۰	۴-۱۱. مصونیت
۱۰۰	۵-۱۱. بهره‌مندی از نعمت
۱۰۱	۲-۱۱. کارکردهای تربیتی عفو و غفران برای مرتبی
۱۰۱	۱-۲-۱۱. کرامت
۱۰۲	۲-۲-۱۱. آمرزش
۱۰۳	۱۲. آسیب‌شناسی عفو و غفران
۱۰۳	۱-۱۲. جرأت و جسارت
۱۰۴	۲-۱۲. یأس و نومیدی
۱۰۵	۱۳. چگونگی بهره‌گیری مرتبی از عفو و غفران
۱۰۷	<b>فصل سوم: روش تکریم و احترام</b>
۱۰۷	مقدمه
۱۰۷	۱. مفهوم‌شناسی
۱۰۸	۱-۱. مفهوم حرمت و کرامت از منظر دینی
۱۰۹	۲-۱. واژه‌های مشابه یا مترادف
۱۰۹	۱-۲-۱. عزت
۱۱۰	۲-۲-۱. حرمت نفس
۱۱۱	۳-۲-۱. فَضْل
۱۱۲	۳-۱. مفهوم حرمت و کرامت از منظر روان‌شناختی
۱۱۲	۱-۳-۱. خود
۱۱۲	۲-۳-۱. خودپنداره
۱۱۳	۳-۳-۱. حرمت خود
۱۱۴	۴-۳-۱. عزت نفس
۱۱۵	۵-۳-۱. اعتماد به نفس
۱۱۶	۲. انواع کرامت
۱۱۶	الف) کرامت ذاتی
۱۱۷	ب) کرامت اکتسابی

۱۱۹	۳. تکریم و احترام به عنوان روش تربیتی
۱۲۲	۴. مبانی تکریم و احترام
۱۲۲	۱-۴. کرامت ذاتی انسان
۱۲۳	۲-۴. خلیفه‌اللهی انسان
۱۲۴	۳-۴. برخورداری انسان از روح الهی
۱۲۵	۴-۴. انسان مسجود فرشتگان
۱۲۵	۵-۴. فطرت الهی انسان
۱۲۵	۶-۴. استواء یا اعتدال خلقت انسان
۱۲۶	۷-۴. اراده و اختیار انسان
۱۲۶	۸-۴. کرامت، محور تربیت
۱۲۷	۹-۴. حُبّ ذات انسان
۱۲۸	۵. شیوه‌های تکریم و احترام
۱۲۹	۱-۵. شیوه‌های تکریم و احترام به خود، یا کسب کرامت
۱۳۰	۲-۵. شیوه‌های تکریم و احترام دیگران
۱۳۱	۱-۲-۵. تصریح مستقیم به حرمت و کرامت انسانی
۱۳۱	۲-۲-۵. تحسین خود در آفرینش انسان
۱۳۲	۳-۲-۵. توصیف برخی ویژگی‌های مثبت انسانی
۱۳۳	۴-۲-۵. کرامت انسان به دلیل خلقت استوار او
۱۳۴	۵-۲-۵. نسبت دادن خلقت انسان به خود
۱۳۴	۶-۲-۵. بیان احترام دیگر موجودات به انسان
۱۳۵	۷-۲-۵. معرفی انسان به عنوان غایت خلقت
۱۳۵	۸-۲-۵. بیان اهداف والای خلقت انسان
۱۳۶	۶. آسیب‌شناسی تکریم و احترام
۱۳۶	۱-۶. غرور و خودبزرگ‌بینی
۱۳۷	۲-۶. جهل به خود و ارزش خود
۱۳۷	۳-۶. آلوده شدن به گناهان
۱۳۸	۴-۶. افراط و تفریط در تکریم و احترام
۱۳۹	<b>فصل چهارم: روش رفق و مدارا</b>
۱۳۹	مقدمه
۱۳۹	۱. مفهوم‌شناسی
۱۴۰	۱-۱. واژگان معادل
۱۴۱	۲-۱. مفاهیم مشابه

۱۴۱	.....	۱-۲-۱. مدارا و صلح
۱۴۲	.....	۲-۲-۱. مدارا و مدهانه
۱۴۲	.....	۳-۲-۱. مدارا و تفاهم
۱۴۲	.....	۴-۲-۱. مدارا و تساهل و تسامح
۱۴۳	.....	۲. ارکان رفق و مدارا
۱۴۳	.....	۱-۲. قلمرو رفق و مدارا
۱۴۴	.....	۱-۲. قلمرو درونی مدارا
۱۴۴	.....	الف) کمیت و دفعات رفق و مدارا
۱۴۵	.....	ب) کیفیت و سطوح رفق و مدارا
۱۵۱	.....	۲-۱-۲. قلمرو بیرونی مدارا
۱۵۱	.....	- مدارا و روش‌های تربیت
۱۵۳	.....	- مدارا و محتوای تربیت
۱۵۴	.....	- مدارا و اهداف و مراحل تکلیف
۱۵۵	.....	- مدارا و مرتبی
۱۵۶	.....	۳. متعلق رفق و مدارا
۱۵۷	.....	۱-۳. توانمندی شناختی
۱۵۷	.....	۲-۳. توانمندی جسمانی
۱۵۸	.....	۳-۳. توانمندی مالی
۱۵۹	.....	۴-۳. توانمندی علمی
۱۵۹	.....	۵-۳. توانمندی ایمانی
۱۶۰	.....	۶-۳. توانمندی موقعیتی
۱۶۲	.....	۴. مبانی رفق و مدارا
۱۶۲	.....	۱-۴. رحمت الهی
۱۶۳	.....	۲-۴. ویژگی‌های انسان
۱۶۴	.....	۱-۲-۴. محدودیت توانمندی (ضعف انسان)
۱۶۴	.....	۲-۲-۴. قوت عواطف در انسان
۱۶۴	.....	۵. شیوه‌های رفق و مدارا
۱۶۵	.....	۱-۵. رفق و مدارای ابتدایی
۱۶۶	.....	۱-۱-۵. ساده‌سازی پیام
۱۶۷	.....	۲-۱-۵. ساده‌سازی راه
۱۶۸	.....	۲-۱-۵. ساده‌سازی تکلیف
۱۶۹	.....	۴-۱-۵. خطاپوشی
۱۷۰	.....	۵-۱-۵. نرمش در ارتباطات
۱۷۰	.....	۶-۱-۵. مهلت‌دهی

۱۷۱	۵-۱-۷. پذیرش توبه و تشویق به آن
۱۷۲	۱. تعلیم توبه
۱۷۲	۲. تحریض به توبه
۱۷۳	۵-۲. رفق و مدارای پاداشی
۱۷۴	۵-۲-۱. پذیرش توبه
۱۷۴	۵-۲-۲. ازدیاد ثواب
۱۷۵	۶. آثار رفق و مدارا
۱۷۵	۶-۱. ارتقای درجات معنوی مربی
۱۷۶	۶-۲. پیروی متربی از مربی
۱۷۶	۶-۳. امیدآفرینی در متربی
۱۷۷	۶-۴. ایجاد و افزایش انگیزه
۱۷۸	۷. آسیب‌شناسی رفق و مدارا
۱۷۸	۷-۱. افراط و تفریط در مدارا
۱۸۰	۷-۲. تغییر ماهیت مدارا (غلتیدن به مدهانه و صلح)
۱۸۰	۷-۳. مدارا کردن در برابر خطا، نه خاطی
۱۸۰	۷-۴. غرور و فرصت‌سوزی
۱۸۳	<b>فصل پنجم: روش احسان</b>
۱۸۳	۱. مفهوم احسان
۱۸۴	۲. واژگان متناظر
۱۸۴	۲-۱. فضل
۱۸۵	۲-۲. معروف
۱۸۵	۲-۳. اکرام
۱۸۵	۲-۴. برّ
۱۸۶	۳. مفهوم‌شناسی تطبیقی
۱۸۶	۳-۱. احسان و عفو و غفران
۱۸۸	۳-۲. احسان و تشویق
۱۸۸	۴. جایگاه احسان در قرآن کریم
۱۸۸	۴-۱. مقام محسنین
۱۸۹	۴-۲. امر به احسان
۱۸۹	۴-۳. محبوبیت احسان
۱۹۰	۴-۴. پاداش دنیوی و اخروی احسان
۱۹۱	۵. انواع احسان
۱۹۱	۵-۱. احسان بدوی و پاداشی (معاوضه‌ای) و دفعی

۱۹۱	.....	۲-۵. احسان فعلی و قولی
۱۹۲	.....	۳-۵. احسان تشویقی و بازدارنده
۱۹۳	.....	۴-۵. احسان عمومی و خصوصی
۱۹۴	.....	۶. مبانی احسان
۱۹۴	.....	۱-۶. عاطفی بودن انسان
۱۹۵	.....	۲-۶. فقر و نیازمندی انسان
۱۹۵	.....	۷. الگوهای احسان
۱۹۶	.....	۱-۷. خداوند
۱۹۷	.....	۲-۷. انبیا و اولیا
۱۹۸	.....	۳-۷. برخی مؤمنان
۱۹۸	.....	۸. کارکردهای تربیتی احسان
۲۰۱	.....	۹. ویژگی‌های احسان
۲۰۱	.....	۱-۹. تعلق به حوزه عاطفی
۲۰۱	.....	۲-۹. جذب‌کنندگی
۲۰۲	.....	۳-۹. زمینه‌سازی
۲۰۳	.....	۱۰. موانع احسان
۲۰۳	.....	۱-۱۰. بخل و خست نفس
۲۰۴	.....	۲-۱۰. ناشکیبایی
۲۰۵	.....	۱۱. آسیب‌شناسی روش احسان
۲۰۵	.....	۱-۱۱. منت‌گذاری
۲۰۶	.....	۲-۱۱. غرور و ناسپاسی
۲۰۹	.....	<b>منابع و مأخذ</b>
۲۱۵	.....	<b>نمایه آیات</b>
۲۲۵	.....	<b>نمایه روایات</b>
۲۲۹	.....	<b>نمایه اشخاص</b>
۲۳۱	.....	<b>نمایه موضوعات</b>



## پیشگفتار

### قرآن کتاب هدایت و تربیت

«وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ؛ و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است» (نحل، ۸۹).

قرآن جامع‌ترین کتاب الهی و برترین سخن نازل شده از سوی خداوند؛ «وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ...» (زمر، ۵۵)، و معجزه جاوید پیامبر اکرم ﷺ است که مخالفان خود را در طول تاریخ به هماوردی و مبارزه طلبیده است.<sup>۱</sup> این کتاب نوری است روشنگر؛ «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا» (نساء، ۱۷۴)، که راه سعادت انسان را روشن می‌کند، و سخن قاطعی است که حق را از باطل جدا می‌سازد و ابهام و تردید را می‌زداید؛ «إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ \* وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ» (طارق، ۱۳ و ۱۴).

قرآن بصیرتی است الهی؛ «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ» (انعام، ۱۰۴) و رهنمود و دلیل روشنی است از سوی خداوند؛ «فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ...» (انعام، ۱۵۸)، که به انسان معرفت و بینش لازم را برای انتخاب مسیر درست ارائه می‌دهد. این کتاب موعظه و پند و اندرزی است که روح آدمی را صیقل می‌دهد و جان و دل او را شفا می‌بخشد؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (یونس، ۵۷)، و آنگاه که غفلت و فراموشی سراسر وجود آدمی را فراگیرد، تذکردهنده؛ «كَلَّا إِنَّهُ تَذَكُّرٌ» (مدثر، ۵۴) و مایه یادآوری و بیداری انسان است؛ «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ» (انعام، ۹۰). این کتاب بشارت‌دهنده و اندازکننده است؛ «كِتَابٌ فَصَّلْتَ آيَاتَهُ... \* بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا

۱. «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره، ۲۳).

يَسْمَعُونَ» (فصلت، ۳ و ۴) که انسان را به خوبی‌ها و پاداش اعمال خیر و نعمت‌های بهشتی بشارت داده و او را از انجام کارهای ناپسند و پیامدهای آنها و عذاب اخروی بیم و انذار می‌دهد. به گفته امیرالمؤمنین علی علیه السلام که خود پرورش یافته مکتب قرآنی است: «قرآن نوری است که چراغ‌هایش را خاموشی نباشد، چراغی است که روشنایی‌اش به خاموشی نگراید، اقیانوسی است که کسی را به ژرفایش دسترسی نباشد، راهی است که رهروش به گمراهی نرود، و پرتوی است که تابشش را تیرگی نیالاید... قرآن دارویی است که دردی بر جای نمی‌نهد، نوری است که با هیچ ظلمتی همراه نباشد، ریسمانی است که دستاویزش اطمینان‌بخش، و دژی است که بلندایش تسخیرناپذیر است...»<sup>۱</sup>. چنان که در جای دیگر به مردم هشدار داده و آنها را به قرآن فرامی‌خواند و بیان می‌دارد: «آگاه باشید! همانا قرآن پنددهنده‌ای است که نمی‌فریبد، و هدایت‌کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد، و گوینده‌ای است که هرگز دروغ نمی‌گوید، کسی با قرآن همنشین نشد، مگر آنکه قرآن بر او افزود، یا از او کاست؛ بر هدایتش افزود و از کوردلی و گمراهی او کاست...»<sup>۲</sup>.

کوتاه سخن اینکه، قرآن کتاب هدایت و تعلیم و تربیت است که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده تا آیات آن را بر مردم بخواند و با هدایت‌های آن مردم را از گناه و شرک و نفاق پاک گرداند و به آنها کتاب و حکمت بیاموزد. و این خود منت و نعمتی است بس بزرگ که خداوند بر مؤمنان ارزانی داشته است؛ «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (آل عمران، ۱۶۴).

### قرآن پژوهی تربیتی، در گروه علوم تربیتی

نگاه موضوعی به آیات قرآن کریم از قرن‌های گذشته آغاز شده و در نیم قرن اخیر شدت یافته است و هر فرد و گروهی به فراخور تخصص، گرایش و علاقه خود در این راستا گامی برداشته است. گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه نیز با عنایت به رسالت و وظیفه‌ای که بر عهده دارد، از آغاز بخش قابل توجهی از فعالیت‌های خود را قرآن پژوهی تربیتی و به عبارتی، تربیت پژوهی در قرآن معطوف داشته و در عین حال، از توجه به سنت و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نیز غافل نبوده و مجموعه سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را در چهار جلد به جامعه علمی کشور تقدیم داشته است. همچنین مسائل تربیتی جوانان در روایات را نیز گردآوری

۱. «ثم انزل عليه الكتاب نوراً لا تظفي مصابيحها، و سراجا لا يخبو توقده...» (سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸).

۲. «و اعلموا ان هذا القرآن هو الناصح الذي لا يغش و الهادي الذي لا يضل...» (همان، خطبه ۱۷۶).



و تحلیل کرده و در یک جلد ارائه داده است. به هر حال، کار قرآن پژوهی تربیتی به صورت عام، از بدو شکل گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و گروه علوم تربیتی در سال های آغازین دهه ۱۳۶۰، و به طور خاص با فیش برداری از آیات تربیتی از کل قرآن در قالب طرح نظام تربیتی اسلام آغاز شد که نخستین گام در این مسیر به شمار می آید. پس از ثبت آیات، هر یک از برگه ها در جلسات گروهی تجزیه و تحلیل شد و سرانجام عنوان اصلی و فرعی و برداشت های مورد توافق جمع محققان در برگه ها درج گردید. اگرچه سامان دهی و نگارش طرح نظام تربیتی به دلایلی متوقف شد، ولی حاصل این کار، گردآوری مجموعه ای از برگه های مشتمل بر آیات تربیتی در ابعاد مختلف نظام تربیتی شامل مبانی، اصول، مراحل و روش هاست که آماده پردازش و نگارش است که در فرصتی نه چندان دور تقدیم ارباب معرفت خواهد شد.

گام دوم گروه در جهت قرآن پژوهی تربیتی، اقدام به تهیه طرح دائرةالمعارف روش های تربیتی قرآن کریم است. به دلیل اهمیت و جایگاه روش های تربیت از منظر قرآن کریم در فرایند تعلیم و تربیت اسلامی و نیز فقدان منبع و مرجعی که به صورت جدی به این مهم پرداخته باشد، گروه علوم تربیتی انجام این مهم را در فهرست اولویت های کاری خود قرار داد و مطالعه، بررسی و تهیه طرحی اجرایی برای این کار را بر عهده برخی اعضای خود نهاد. نتیجه مطالعه و بررسی این گروه تهیه طرحی با نام دائرةالمعارف روش های تربیت در قرآن کریم بود. ابتدا قرار بر این بود که مجموعه آیاتی از قرآن که ناظر به روش های تربیت هستند، استخراج شوند و آنگاه نکته های کلیدی و برداشت ها روشی، به صورت مختصر در کنار آیات اضافه و در نهایت در مجموعه ای به صورت معجم لفظی به چاپ برسند، اما مشکل این نوع کار آن بود که اولاً، عموم مخاطبان از نکته ها و برداشت های مختصر، به عمق مطلب منتقل نمی شدند و ثانیاً، در این نوع کار، از نگاه مجموعی به روش و بررسی ابعاد مختلف آن و پیوند و ارتباط آنها با یکدیگر غفلت می شد، و بدین ترتیب، هدف مورد نظر برآورده نمی گشت. از این رو، این شیوه کنار گذاشته شد.

گزینه دوم برای این بود که با نگاهی مجموعی درباره هر روش، به قرآن مراجعه شود و مجموعه آیاتی که به لحاظ لفظی، معنوی و مفهومی ناظر به یک روش هستند استخراج شوند، آنگاه در قالب یک مقاله علمی و نظام مند ارائه گردند. مقاله ای که در آن به تمام ابعاد، ارکان و عناصر تشکیل دهنده یک روش تربیتی در حد امکان توجه شده و با عنایت به آیات قرآن به توصیف و تبیین آن پرداخته شود.

دلیل انتخاب قالب مقاله برای این کار آن بود که برداشت‌های تربیتی و روشی از قرآن کریم، به‌طور صریح از یک یا چند آیه امکان‌پذیر نیست، بلکه این امر نیازمند مراجعه به آیات مختلف و تفسیرهای گوناگون از آیات است و با مراجعه به آیات و تفسیرهاست که می‌توان یک روش تربیتی و ابعاد مختلف آن را از قرآن استخراج و استنباط کرد. ارائه این امر جز در قالب مقاله‌ای منسجم و دارای نظم منطقی میسر نیست.

به هر حال، با تأیید و تصویب این نوع کار در شورای علمی گروه، پژوهشگرانی مأمور مطالعه و تحقیق درباره نوع کار و درنهایت تهیه و تدوین «شیوه‌نامه پژوهش و نگارش دائرةالمعارف روش‌های تربیتی در قرآن کریم» شدند، که با تلاش آنان شیوه‌نامه‌ای فراهم آمد.

### سلسله کتاب‌های «روش‌های تربیت در قرآن کریم»

پس از تهیه شیوه‌نامه، با بهره‌گیری از زمینه فراهم‌آمده در طرح نظام تربیتی، تهیه مدخل‌ها آغاز شد. برای این منظور فهرستی از روش‌ها و اقدامات تربیتی که در طرح نظام تربیتی تهیه شده بود، بررسی و تجزیه و تحلیل شد و پس از حذف و اضافه و ویرایش‌های چندباره، سرانجام فهرستی از عناوین روش‌های تربیتی جهت تحقیق و تهیه مقاله مورد توافق نهایی قرار گرفت. از آن پس برخی اعضای گروه فعالیت خود را در این جهت قرار دادند که متأسفانه به دلیل اشتغالات تحصیلی، طرح با کندی و توقف مواجه شد.

پرواضح است که با این روند و مشکلات آن، بررسی همه مدخل‌ها و تهیه مقاله برای همه آنها و در نتیجه انتشار نهایی دائرةالمعارف، زمان بسیاری می‌طلبد. از سوی دیگر، متوقف ماندن و ارائه نشدن مقالات آماده‌شده به جامعه علمی، چندان مطلوب نبود و با روزآمد بودن کار سازگاری ندارد. از این رو، با آماده شدن چندین مقاله، گروه تصمیم گرفت تا مجموعه‌ای از روش‌های همسو و نزدیک به هم را در یک کتاب انتشار دهد. در سال ۱۳۹۱ نخستین مجلد از این مجموعه چاپ شد و در اختیار مشتاقان قرار گرفت. اکنون به فضل الهی دومین مجلد از این مجموعه فراهم آمده و در اختیار علاقه‌مندان به تعلیم و تربیت اسلامی به‌ویژه تعلیم و تربیت قرآنی قرار خواهد گرفت.

این مجموعه تلاشی است هرچند کوچک و ناقص، در راستای معرفی ابعاد بی‌نهایت هدایت‌های قرآنی، که امید است با نکته‌سنجی‌های عالمانه استادان بزرگوار و صاحبان معرفت در جهت تکامل و پختگی حرکت کند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از آقایان حجت‌الاسلام دکتر محمود نوزری، دکتر سیدعلی حسینی‌زاده، شهاب‌الدین مشایخی، محمدرضا قائمی‌مقدم و مجید طرقی که در تدوین شیوه‌نامه «شیوه‌نامه پژوهشی و نگارش دائرةالمعارف روش‌های تربیتی قرآن کریم» را به عهده داشته‌اند و نیز از آقایان دکتر سیدعلی حسینی‌زاده و حجت‌الاسلام شهاب‌الدین مشایخی، به‌ویژه که نگارش این جلد را به انجام رساندند و نیز از ارزیابان محترم این جلد آقایان حجج‌الاسلام علی‌اکبر بابایی و دکتر محمد داوودی تشکر و قدردانی نماید.

**گروه علوم تربیتی**



## مقدمه

بی‌شک قرآن کریم تنها کتاب هدایتی است که هیچ نقص و کاستی در تأمین هدف‌های تربیتی خود ندارد و مربیان و متریان تربیتی می‌توانند بی‌هیچ دغدغه و نگرانی از آن بهره ببرند. چنان که خداوند منان در اولین آیات آن می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ؛ آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزگاران است» (بقره، ۲). در این کتاب محکم و متقن خداوند، هم خود از روش‌های تربیتی برای تربیت انسان‌ها، به‌ویژه پیامبران خود استفاده کرده است و هم روش‌های تربیتی را به رسول خدا ﷺ آموخته و او را به بهره‌گیری از آنها در تربیت انسان‌ها توصیه کرده است.

روش‌های تربیتی یکی از بخش‌های مهم نظام تربیتی اسلامی هستند که مربی با به‌کارگیری آنها مربی را از وضع موجود، به وضع مطلوب می‌رساند. به‌طور کلی خداوند مربی انسان است که از طریق ارسال کتاب‌های خود همراه پیامبرانی که خود مربیان مسقیم الهی بوده و هستند، بشریت را از عالم حیوانی و حتی پست‌تر از آن<sup>۱</sup> به عالم ملائک و حتی برتر از آن، تا جایی که حتی ملک را توان نظاره نیست؛<sup>۲</sup> یعنی خلافت تامه الهی و مرز یکی شدن با خدای یکتا<sup>۳</sup> برسانند. روش‌های تربیت الهی در کتاب‌های وحیانی که از سوی او بر پیامبران وحی شده است، از جمله قرآن کریم تجلی یافته است.

---

۱. «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ؛ آنها همچون چارپایانند بلکه گمراه‌تر!» (اعراف، ۱۷۹).  
۲. «فَلَمَّا بَلَغَ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى فَاَنْتَهَى إِلَى الْحُجُبِ فَقَالَ جِبْرَائِيلُ تَقَدَّمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ لِي أَنْ أُجُوزَ هَذَا الْمَكَانَ وَلَوْ دَنَوْتُ أَنْمَلَةَ لَا حَتْرَقَتْ» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۷۹).

اگر یک سر موی برتر پرم فروغ تجلیش بسوزد پرم

۳. «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى ۖ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى؛ سپس نزدیک‌تر و نزدیک‌تر شد تا آنکه فاصله او (با پیامبر ﷺ) به اندازه فاصله دو کمان یا کمتر بود» (نجم، ۸ و ۹).

از جمله روش‌های مهمی که هم خداوند در تربیت پیامبر و دیگر انسان‌ها از آن استفاده کرده و هم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر انسان‌ها را به بهره‌گیری از آنها توصیه کرده است روش‌های الگویی، قصه‌پردازی، تشویق و تنبیه، حکمت، احسان، عفو و گذشت، رفق و مدارا و... است. در این جلد از کتاب روش‌های تربیتی قرآن کریم به بحث و بررسی پنج روش از روش‌های تربیت قرآن کریم (روش حکمت‌آموزی، عفو و گذشت، تکریم و احترام، رفق و مدارا و احسان) پرداخته و در حد وسع آنها را برای دست‌اندرکاران امر تربیت واکاوی خواهیم کرد. در این بررسی‌ها در هر روش دست‌کم به شش بخش مفهوم‌شناسی، اهمیت و جایگاه روش، مبانی آن، کارکردهای تربیتی آن، اصول و قواعد حاکم بر روش و آسیب‌ها و موانع تحقق آن روش پرداخته می‌شود.

## فصل اول

### روش آموزش حکمت

اگر واژه آموزش معادل تربیت نباشد، دست کم بخش مهمی از تربیت را آموزش تشکیل می‌دهد. در میان عناصر شکل دهنده آموزش، روش‌ها و محتوای آموزشی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. گرچه روش‌ها و محتوای آموزشی دو عنصر جداگانه در آموزش تلقی می‌شوند، اما گاه محتوای آموزش به قدری اهمیت دارد که آموزش آن محتوای خاص را در زمره روش‌های آموزش تلقی می‌کنند؛ چنان که گاه خود آموزش را روشی برای تربیت می‌دانند (احمدی، ۱۳۶۴، ص ۱۷۸). در میان محتوای آموزشی، حکمت ارزش و اهمیتی والا دارد؛ چرا که هم سیراب‌کننده عقل انسان است و هم راهنمای عمل او. از این رو، حکمت، گرچه در نگاه نخست محتوای تربیتی تلقی می‌شود، اما در تعلیم و تربیت اسلامی یکی از روش‌های (کلی) تربیتی به شمار می‌آید. به همین دلیل در پژوهش حاضر نیز آموزش حکمت یکی از روش‌های تربیتی تلقی شد و در این فصل به بررسی آن در قرآن کریم پرداخته می‌شود.

#### ۱. مفهوم‌شناسی

در این بخش به بررسی مفهوم حکمت و مفاهیم متناظر با آن می‌پردازیم.

#### الف) مفهوم حکمت

واژه حکمت بیست بار در قرآن به کار رفته است که در شش آیه از تعلیم حکمت (بقره، ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران، ۴۸ و ۱۶۴؛ مائده، ۱۱۰ و جمعه، ۲)، هفت مورد از ایتاء حکمت (بقره، ۲۵۱ و ۲۶۹؛ آل عمران، ۸۱؛ نساء، ۵۴؛ لقمان، ۱۲ و سوره ص، ۲۰)، یک آیه از یادآوری حکمت (احزاب، ۳۴)، یک آیه از وحی شدن حکمت (اسراء، ۳۹) و در دو آیه از انزال حکمت (بقره، ۲۳۱

و نساء، ۱۱۳)، یک آیه از حکمت بالغه (قمر، ۵) و یک آیه از دعوت به وسیله حکمت (نحل، ۱۲۵) و یک آیه نیز آمدن از پیامبر با حکمت (زخرف، ۶۳) سخن گفته شده است. همچنین در قرآن کریم در ده مورد از کتاب و حکمت (بقره، ۱۲۹، ۱۵۱ و ۲۳۱؛ آل عمران، ۴۸، ۸۱ و ۱۶۴؛ نساء، ۵۴ و ۱۱۳ و مائده، ۱۱۰)، یک مورد از آیات و حکمت (احزاب، ۳۴)، دو مورد از مُلک و حکمت (بقره، ۲۵۱ و سوره ص، ۲۰) به صورت عطفی و یک مورد از حکمت، موعظه و جدل و شش مورد نیز از حکمت به تنهایی (بقره، ۲۶۹؛ اسراء، ۳۹؛ لقمان، ۱۲؛ زخرف، ۶۳ و قمر، ۵) سخن به میان آمده است.

حَکَم، در لغت به معنای منع است و در اصل الحکم به معنای منع از ظلم بوده است. حَکَمَةُ الدَّابَّةِ به معنای دهنه اسب است. چون اسب را از حرکت بازمی‌دارد (ابن فارس، ۱۳۸۷) و حکمت مشتق از آن است؛ چون صاحب حکمت را از اخلاق رذیله بازمی‌دارد (فیومی، ۱۴۱۴). همچنین، احکام به معنای اتقان و محکم کاری نیز آمده است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵). ابن منظور (۱۴۰۸) حکمت در لغت را به معنای شناخت برترین چیزها از طریق برترین علوم می‌داند.

به طور کلی می‌توان گفت که حکمت در قرآن، دست‌کم در چهار معنای مختلف به کار می‌رود:

۱. معرفت و شناخت حقایق اشیا؛
۲. انجام افعال براساس غایات و اغراض معقول و خردپسند؛
۳. اتقان فعل؛
۴. دوری از انجام فعل قبیح و ناشایست (سعیدی‌مهر، ۱۳۸۹، ص ۲۶۳-۲۶۶).

اما به نظر می‌رسد ریشه همه این معانی چهارگانه، یا احیاناً معانی دیگری که می‌توان برای آن یافت، به یک معنا بازگردد و آن معرفت حق مبتنی بر عقل و عمل کردن به آن است؛ چرا که قرآن کریم حکمت را خیر کثیر می‌داند (بقره، ۲۶۹) و امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «علم و عقل و حکومت و عدالت برترین بخشش خداوند بر بندگانش است»<sup>۱</sup> و از این رو، انسان عاقل اگر حق را به درستی و کامل بشناسد، مطابق آن عمل می‌کند؛ چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «عقل آن است که آنچه می‌دانی بگویی و به آنچه می‌گویی عمل کنی»<sup>۲</sup>.

۱. «أَفْضَلُ مَا مَنَّ اللَّهُ عَلَى عِبَادِهِ عِلْمٌ وَعَقْلٌ وَمُلْكٌ وَعَدْلٌ؛ برترین چیزی که خداوند به آن بر بندگانش منت نهاده است علم، عقل، حکومت و عدل است» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۴۲۹).

۲. «العقلُ أَنْ تَقُولَ مَا تَعْرِفُ وَتَعْمَلَ بِمَا تَنْطَلِقُ بِهِ؛ عقل آن است که بگویی آنچه را می‌شناسی و به آنچه می‌گویی عمل کنی» (همان، ص ۱۵۰).



راغب اصفهانی (۱۳۸۵) نیز حکمت در قرآن را به معنای رسیدن به حق از راه علم و عقل می‌داند و طریحی (۱۳۶۷) نیز حکمت را علمی می‌داند که به عمل بینجامد، و یا علمی که انسان را از فعل قبیح بازدارد؛ که این امر زمانی صورت می‌گیرد که علم همراه با عقل باشد.

قرشی (۱۳۷۵) نیز معتقد است با مراجعه به اصل معنای حکمت می‌توان به دست آورد که حکمت یک حالت و خصیصه درک و تشخیص است که شخص به وسیله آن می‌تواند حق و واقعیت را درک کند و مانع از فساد شود و کار را محکم و متقن انجام دهد. بنابراین، حکمت حالت نفسانی و صفت روحی است نه شیء خارجی و شیء خارجی از نتایج حکمت است.

مفسران قرآن کریم نیز حکمت را در قرآن بر معانی متعددی مانند: مواعظ قرآن، فهم و علم، نبوت، قرآن (رازی، بی تا، ج ۴، ص ۶۷)، سنت، شیئی که خداوند در قلب انسان قرار می‌دهد تا به او نور دهد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۹۵) حمل کرده‌اند.

به نظر می‌رسد بیشتر معناهایی که مفسران برای «حکمت» در قرآن کریم بیان کرده‌اند، نظیر مواعظ قرآن، نبوت، قرآن، سنت و از این قبیل؛ از مصداق‌ها یا آثار حکمت هستند. اما در اینکه معنای حقیقی حکمت چیست مفسران نیز با هم اختلاف نظر دارند.

طبرسی (۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۸۳) حکمت را چیزی می‌داند که انسان را بر مَرِّ حق که باطلی در آن نیست و صدقی که مشوب به کذب نیست، آگاه می‌سازد. ثقفی (۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۴۵) حکمت را به کار انداختن علم و عقل در مقام عمل معرفی می‌کند. علامه طباطبایی (۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۲۱۵) حکمت را به معنای معرفت علمی نافع می‌داند. وی همچنین می‌فرماید: تعلیم کتاب عبارت است از بیان الفاظ آیات و تفسیر آنها و در مقابل آن حکمت است که همان معارف حقیقی است که در قرآن هست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۲۶۵). وی در جایی دیگر می‌گوید: حق چیزی جز رأی و اعتقادی که مطابق با واقع باشد، نیست و لازمه آن رشد بدون غی است و این همان حکمت است؛ یعنی رأیی که در صدق و نفعش محکم است و کذبی و ضرری در آن راه ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۲۷۱).

وی همچنین ذیل آیه ۱۲۵ سوره نحل: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»<sup>۱</sup> حکمت، موعظه و جدل را منطبق بر برهان، خطابه و جدل منطقی می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۳۷۱).

۱. با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن.

در مجموع می‌توان گفت قریب به سی دیدگاه درباره معنی حکمت در قرآن وجود دارد که به هم نزدیک‌اند و اصل در آن مصدر احکام است که به معنای اتقان در علم یا عمل یا قول، یا هر سه است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۰).

اما با بررسی آیاتی از قرآن که در آنها کلمه حکمت به کار رفته است چنین استفاده می‌شود که:

۱. حکمت مساوی با کتاب، آیات، ملک، موعظه و جدال نیست؛ زیرا در قرآن کلمه حکمت در کنار هر یک از کلمات کتاب (آل عمران، ۸۱)، آیات (احزاب، ۳۴)، مُلک (نساء، ۵۴)، موعظه و جدال (نحل، ۱۲۵) آمده است و براساس یکی از اصول تفسیری، اصل بر تأسیس و معنای جدید برای هر واژه‌ای است نه تأکید و تفسیر. همچنین گرچه موارد یادشده نیز می‌توانند از مصداق‌های حکمت باشند، ولی حکمت مترادف با آنها نیست، بلکه اعم است. همچنین حکمت غیر از نبوت است؛ چون حکمت به غیر پیامبران، از جمله لقمان<sup>۱</sup> و ائمه و حتی دیگر انسان‌ها<sup>۲</sup> نیز داده شده است؛

۲. حکمت، نازل شدنی (بقره، ۲۳۱)، آموختنی (مائده، ۱۱۰)، تلاوت کردنی (احزاب، ۳۴)، عطا‌ی الهی (لقمان، ۱۲) خیر کثیر (بقره، ۲۶۹) و مصونیت‌آور (نساء، ۱۱۳) است و شامل احکام فرعی شرعی، اخلاقیات و اعتقادات (اسراء، ۳۹) نیز می‌شود؛

۳. حکمت هم بین و واضح است و هم مبین و روشنگر؛ چرا که قرآن که کتاب حکمت است؛ هم کتاب روشنگر است: «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ؛ این آیات کتاب روشنگر است» (شعراء، ۲) و هم آیاتش روشنگر هر چیزی است: «وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ»<sup>۳</sup> (نور، ۳). همچنین از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود: «الحكمة ضياء المعرفة؛ حکمت نور معرفت است» (منسوب به امام صادق علیه السلام، ۱۴۰۰، ص ۱۹۸).

۴. حکمت، از اتقان و استحکام برخوردار است و علم، قول یا فعل سست و بی‌پایه نیست،

۱. «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَن يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ؛ ما به لقمان حکمت دادیم (و به او گفتیم): شکر خدا را بجای آور هر کس شکرگزاری کند، تنها به سود خویش شکر کرده و آن کس که کفران کند (زیانی به خدا نمی‌رساند) چرا که خداوند بی‌نیاز و ستوده است» (لقمان، ۱۲).

۲. «يُوتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ وَمَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذْكُرُ إِلَّا أَوْلُوا الْأَلْبَابِ؛ (خدا) دانش و حکمت را به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌دهد و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است. و جز خردمندان (این حقایق را درک نمی‌کنند، و) متذکر نمی‌گردند» (بقره، ۲۶۹).

۳. ما بر شما آیاتی فرستادیم که حقایق بسیاری را تبیین می‌کند، و اخباری از کسانی که پیش از شما بودند، و موعظه و اندرزی برای پرهیزگاران!

بلکه شک و ریبی در آن نیست. به سخن دیگر، حکمت، علم قطعی است، چنان که قرآن نیز که کتاب حکمت است؛ محکم و قطعی است؛ «یس \* وَالْقُرْآنِ الْحَکِیمِ» (یس، ۱ و ۲) و در آن شک و ریبی نیست؛ «ذَلِکَ الْکِتَابُ لَا رَیْبَ فِیْهِ...» (بقره، ۲)؛

۵. حکمت سودمند و منشأ عمل است و بازدارنده از بدی و از این رو، خیر کثیر است؛ «... وَمَنْ یُؤْتِ الْحِکْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَیْرًا کَثِیرًا...» و به هر کس حکمت داده شود، خیر فراوانی داده شده است» (بقره، ۲۶۹).

با توجه به آنچه بیان شد و با توجه به اینکه حکمت بر وزن فعله است و وزن فعله دلالت بر هیئت، نوع و چگونگی دارد و در قرآن نیز حکمت در برابر تعلیم کتاب و تعلیم «آنچه که بشر (خود) نمی توانست بداند» (بقره، ۱۵۱) قرار گرفته است، می توان گفت «حکمت نوعی معرفت یا درک دقیق و عمیق، و مطابق حق است که انسان را به عمل طبق مدرک و پرهیز از خلاف آن وامی دارد». حکمت، هم از راه علم حاصل می شود و هم از راه عمل؛ به اعتبار اینکه از راه علم حاصل می شود به آن حکمت نظری گویند و چون از راه عمل حاصل می شود، به آن حکمت عملی گفته می شود. از نظر قرآن، به هر نوع علم یا عملی نیز حکمت گفته نمی شود، بلکه به علوم عقلی، اعتقادی و اخلاقی و معارف دینی که همراه با تدبّر و تفکر باشد، یا به عملی که الهی باشد حکمت اطلاق می شود؛ چرا که حکمت معرفت است و معرفت همراه با فهم و درک و تدبّر است؛ برخلاف علم که ممکن است همراه با تدبّر نباشد. پس، علم اعم از معرفت است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵، ذیل واژه عرف) و به علمی که همراه درک باشد و به عمل منجر شود نیز حکمت اطلاق می شود. همچنین به عملی که هدفمند باشد و هدف و انگیزه آن هم الهی باشد، عمل حکمیانه گفته می شود. چنان که در سوره اسراء (آیات ۱-۳۹) و لقمان (آیات ۱۲-۱۹) آمده است. همچنین این معرفت یا فهم دقیق و عمیق، یا یقین قلبی حاصل از آن را خداوند به انسان می دهد، حال گاه به واسطه فعالیت علمی و عملی انسان به او می دهد و گاه ابتدائاً و از سر فضل خود آن را به افرادی می دهد و سبب علم و عمل (حکمت نظری و عملی) می شود؛ چنان که خداوند می فرماید: «یُؤْتِی الْحِکْمَةَ مَنْ یَشَاءُ وَمَنْ یُؤْتِ الْحِکْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَیْرًا کَثِیرًا وَمَا یَذْکُرُ إِلَّا الْأَلْبَابِ» (بقره، ۲۶۹).

### ب) مفاهیم متناظر

در قرآن کریم عناوینی به کار رفته اند که گاه به نظر می رسد به معنای حکمت هستند و کسانی آنها را مترادف با حکمت دانسته اند. در اینجا به بررسی این عناوین می پردازیم.

### حکمت و علم

راغب اصفهانی می‌گوید علم به معنای درک حقیقت شیء است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵) ذیل واژه علم به هر صورت که تحقق پذیرد، چه از طریق تجربه یا از طریق تدبیر و تفکر یا هر راه دیگر، در حالی که حکمت بر وزن فعله است و به معنای نوع خاصی از علم است؛ یعنی درک حقیقت اشیا و به روش خاص؛ یعنی درک برترین چیزها از طریق برترین روش‌ها (همان). حکمت یعنی درک عمیق و دقیق حقایق امور از طریق تدبیر و تفکر. پس، حکمت نوع خاصی از علم است و شامل علوم تجربی و علمی که از طریق حواس به دست می‌آیند نمی‌شود؛ چرا که حواس خطا پذیرند. پس میان حکمت و علم، نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار است؛ یعنی، هر حکمتی علم است، ولی هر علمی، حکمت نیست.

از سوی دیگر، می‌توان گفت حکمت عمق علم یا علم عمیق است که دیگر ریب و شکی در آن نیست. علم ممکن است خطا باشد، ولی حکمت، علمی است خطاناپذیر که کنه حقیقت امور را نشان می‌دهد. از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل است که فرمود: «هر کس فرورفتن در ژرفای علم را بداند از آبشخورهای حکمت باز می‌گردد»<sup>۱</sup> (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۳۵۱). پس حکمت، کنه علم است. همچنین از آن حضرت نقل است که فرمود: «علم، میوه حکمت است» (همان، ج ۲، ص ۳۹) و نیز فرمود: «با حکمت پرده و پوشش علم از روی آن کنار زده می‌شود» (همان، ج ۳، ص ۲۲۱)؛ یعنی حکمت، علم همراه فهم و درک است.

بنابراین، شاید بتوان گفت مراد از علم، علم ظاهر و سطحی است و مراد از حکمت علم باطن و عمیق است. به سخن دیگر، علمی که راهبر عمل نباشد حکمت نیست، ولی علمی که راهبر عمل باشد نور و حکمت است. از این رو، هر حکمتی ملازم علم است؛ ولی هر علمی ملازم حکمت نیست. چنان که خداوند نیز در قرآن کریم درباره خود معمولاً علم را در کنار صفت حکیم، یا خبیر آورده است.

### حکمت و عقل

عقل در لغت ضد جهل و به معنای حبس و منع‌کننده از قول و فعل مذموم آمده است (ابن فارس، ۱۳۸۷، ذیل واژه عقل). راغب اصفهانی معتقد است عقل به دو معناست: ۱. قوه‌ای در انسان که پذیرای علم است؛<sup>۲</sup> ۲. علمی که انسان از آن قوه به دست می‌آورد. هر جا خداوند تکلیف را از

۱. من علم غور العلم صدر عن شرائع الحکم.

۲. مانند روایت پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «ما خلق الله خلقاً اکرم علیه من العقل؛ خداوند هیچ مخلوقی را خلق نکرد که به اندازه عقل او را گرامی داشته باشد» (شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۱۸).

انسان به دلیل نبودن عقل برداشته، اشاره به قسم اول عقل است و هر جا که کفار را به دلیل نداشتن عقل مذمت کرده به نوع دوم عقل اشاره دارد نظیر آیه ۱۷۱ سوره بقره<sup>۱</sup> (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵). این همان چیزی است که علی علیه السلام به آن اشاره می‌کند که: «عقل دو قسم است عقل مطبوع و عقل مسموع» (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۵۰۴).

بنابراین، با توجه به اینکه حکمت را نیز معرفتِ حقِ مبتنی بر عقل دانستیم، می‌توان گفت عقل و حکمت قرابت نزدیکی با هم دارند؛ چنان که امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه: «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ...» (لقمان، ۱۲) فرمود: مراد از حکمت، فهم و عقل است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۰) و حکمت بدون عقل ممکن نیست، گرچه عقل بدون حکمت ممکن است. از علی علیه السلام نقل است که فرمود: «خداوند عقل را خلق کرد و حکمت را زبان آن قرار داد» (ابن بابویه، ۱۳۶۱، ص ۳۱۲). همچنین فرمود: «با عقل، کنه حکمت و با حکمت، کنه عقل به دست می‌آید» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۸).

برخی نیز عقل را ابزار تحصیل حکمت می‌دانند. راغب اصفهانی (۱۳۸۵)، ذیل واژه الحکمه حکمت را رسیدن به حق از طریق علم و عقل می‌داند.

بنابراین، علم، حکمت و عقل در یک پیوستار قرار می‌گیرند که منشأ علم و حکمت، عقل است و هرچه انسان عاقل در علم غور کند و عمیق شود به حکمت نزدیک‌تر می‌شود و هرچه به حکمت نزدیک‌تر شود به عصمت نزدیک‌تر می‌شود و از این روست که حکمت با عمل و عصمت همراه است.<sup>۲</sup> هر گاه کسی به حقیقت امور و حکمت دست یافت، خطا و گناه نمی‌کند و هر گاه کسی گناه نکرد، به عصمت دست می‌یابد.

### حکمت و کتاب

قرآن کریم در مواردی حکمت را در کنار آیات و کتاب آورده و بر هم عطف کرده است؛ «رَبَّنَا وَأَبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»<sup>۳</sup> (بقره، ۱۲۹). با توجه به اصل تأسیس در تفسیر، می‌توان گفت این همجواری بیانگر

۱. مانند آیه: «صُمُّ بَكْمٌ عُمِّي فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ؛ کر و لال و نابینا هستند، از این رو چیزی نمی‌فهمند!» (بقره، ۱۷۱).  
 ۲. علی علیه السلام فرمود: «فَرَرْتُ الْحِكْمَةَ بِالْعِصْمَةِ؛ حکمت قرن و همنشین عصمت است» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۴۹۳) و نیز فرمود: «الْحِكْمَةُ عِصْمَةُ الْعِصْمَةِ نِعْمَةٌ؛ حکمت عصمت است و عصمت نعمت» (همان، ج ۱، ص ۳۶) و نیز فرمود: «لَا حِكْمَةَ إِلَّا بِعِصْمَةٍ؛ هیچ حکمتی حاصل نمی‌شود مگر به عصمت» (همان، ج ۶، ص ۴۳۶).  
 ۳. پروردگارا! در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد، و پاکیزه کند؛ زیرا تو توانا و حکیمی (و بر این کار، قادری)!

آن است که تعلیم حکمت در این آیه غیر از تعلیم کتاب است، گرچه تعلیم کتاب هم تعلیم حکمت است و نسبت آن دو اعم مطلق است. راغب اصفهانی (۱۳۸۵)، ذیل واژه کتب) می‌گوید: کتاب، در اصل مصدر است و چیزی که در آن نوشته شده باشد را کتاب می‌گویند. همچنین کتاب، اسم است و به صحیفه همراه نوشته آن، کتاب می‌گویند.

علامه طباطبایی می‌گوید: مراد از تعلیم کتاب، بیان الفاظ و آیات آن است در برابر حکمت که مراد از آن، معارف حقیقی است که قرآن متضمن آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۲۶۵). وی همچنین ذیل آیه ۲۳۱ بقره می‌گوید: مراد از کتاب، ظاهر شریعت و مراد از حکمت، باطن شریعت است (همان، ج ۲، ص ۲۳۷). همچنین برخی مفسران مراد از حکمت را شریعت (مغنیه، بی تا، ص ۲۵) و احکام (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۸۰)، یا معارفی که به وسیله آنها نفوس تکامل می‌یابند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۹۰)، یا سنت (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۴۲۹) دانسته‌اند که اعم از قرآن است. افزون بر این، دست‌کم، در آیه ۱۲۹ بقره، در دعای ابراهیم این مسئله درخواست شده است و حال آنکه در زمان حضرت ابراهیم هنوز قرآن نازل نشده بود؛ پس مراد از «الکتاب» نمی‌تواند قرآن کریم باشد و در نتیجه، بر فرض که مراد از کتاب و حکمت را یکی بدانید، مراد از حکمت تنها قرآن نخواهد بود و قرآن یکی از مصادیق حکمت است. بنابراین، می‌توان گفت گرچه قرآن نیز دربردارنده حکمت است یا کتاب حکمت است؛ چنان که کتاب حکیم<sup>۱</sup> یا کتابی که شکی در آن نیست<sup>۲</sup> نامیده شده، ولی حکمت منحصر در قرآن نیست و غیر از آن نیز می‌تواند باشد.

### حکمت و حکومت

ممکن است بعضی حکمت را در برخی آیات به معنای حکومت و مُلک بدانند، ولی به نظر می‌رسد حکمت چیزی غیر از حکومت است؛ زیرا از حکومت در قرآن به مُلک تعبیر شده است و معمولاً در آیاتی که از حکمت سخن به میان آمده از ملک نیز سخن گفته شده است. نظیر: «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا»<sup>۳</sup> (نساء، ۵۴) و: «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ

۱. «وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ؛ و قسم به قرآن حکیم» (یس، ۲)، و نیز: «الرَّ كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ؛ الف، لام، راء، این کتابی است که آیاتش استحکام یافته سپس تشریح شده‌اند و از نزد خداوند حکیم و آگاه (نازل گردیده) است!» (هود، ۱).

۲. «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره، ۲).

۳. ما به آل ابراهیم (که یهود از خاندان او هستند نیز) کتاب و حکمت دادیم و حکومت عظیمی در اختیار آنها [پیامبران بنی اسرائیل] قرار دادیم.